



## کلاه قرمزی و دار و دسته‌اش در تلویزیون کولاک کردن

امسال هم کلاه قرمزی به تلویزیون آمد و موجی از شادی را با خود آورد، موجی که روز به روز تعداد هواداران او را بیشتر و بیشتر می‌کند. از ظهور کلاه قرمزی حدود 2 دهه می‌گذرد.

جام جم آنلاین: امسال هم کلاه قرمزی به تلویزیون آمد و موجی از شادی را با خود آورد، موجی که روز به روز تعداد هواداران او را بیشتر و بیشتر می‌کند. از ظهور کلاه قرمزی حدود 2 دهه می‌گذرد. این عروسک و همراهانش حدود 20 سال است که نظر نسل‌های مختلف را به خود جلب کرده‌اند.

در حالی که قبل از کلاه قرمزی و بعد از او عروسک‌های زیادی به تلویزیون و سینما آمده‌اند، اما کلاه قرمزی از همه آنها معروف‌تر و محبوب‌تر شد. دلایل این محبوبیت و ماندگاری را می‌توان از جهات مختلف بررسی کرد.

کلاه قرمزی اوایل دهه 70 با آقای مجری به تلویزیون آمد. نقش آقای مجری به عهده ایرج طهماسب بود که در آن زمان به اندازه امروز مشهور نبود. عروسک کلاه قرمزی هم ظاهری چندان درخور توجه و جذاب نداشت، اما صدای زیبا و متفاوتی داشت. او کاملاً مانند بچه‌ها صحبت می‌کرد و تکیه کلام‌هایی شبیه کودکانی داشت که سرشار از انرژی هستند و با کنجکاو خود می‌خواهند در یک لحظه همه دنیا را کشف کنند و برای همه سوالات خود، پاسخ‌های قابل فهم پیدا کنند. کسی که به جای عروسک کلاه قرمزی صحبت می‌کرد، حمید جبلی بود که مردم او را با برنامه تلویزیونی «#171؛ محله برو بیا» می‌شناختند. از همین دوره بود که مثلث کلاه قرمزی، طهماسب و جبلی شکل گرفت و آنها کار خود را تا امروز با موفقیت ادامه دادند. اصل برنامه تلویزیونی کلاه قرمزی با این هدف شکل گرفت که کلاه قرمزی با شیطنتهای خود، آقای مجری را در موقعیت‌هایی قرار دهد تا او به بچه‌ها به شکل غیرمستقیم بگوید چه کارهایی برای بچه‌ها خوب است و آنها از چه کارها و رفتارهایی باید پرهیز کنند.

موفقیت کلاه قرمزی و آقای مجری زمانی تثبیت شد که موقعیت‌هایی به وجود آمده شکل کمیک به خود گرفتند و کلاه قرمزی به عروسکی تبدیل شد که می‌توانست کارهای بامزه بکند و بچه‌ها و بزرگ‌ترها را بشدت بخنداند. این طرح کم‌دی زمانی توانست مخاطبان این برنامه را افزایش دهد که شخصیت پسرخاله هم به گروه کلاه قرمزی و آقای مجری اضافه شد. حالا کلاه قرمزی برای شیطنتهای دوست داشتنی خود، هم بهانه‌های بهتری داشت و هم یک مدافع پیدا کرده بود. کسی که به ظاهر عاقل‌تر از کلاه قرمزی بود، اما در اصل همان کارهای کلاه قرمزی را به شکل دیگری تکرار می‌کرد.

حمید جبلی به جای پسرخاله هم صحبت می‌کرد، اما او برای این شخصیت صدایش را کاملاً تغییر داد. صدای بم پسرخاله مقابل صدای زیر کلاه قرمزی به رنگ آمیزی این برنامه تلویزیونی کمک زیادی کرد. پسرخاله تکیه کلام‌های خاص خودش را داشت و قلدرباشی باعث شد بین مخاطبان برنامه طرفداران زیادی پیدا کند. محبوبیت و شهرت برنامه کلاه قرمزی باعث شد جبلی و طهماسب به فکر ساخت فیلمی سینمایی با حضور این شخصیت‌های عروسکی و محبوب بیفتند. فیلم سینمایی کلاه قرمزی و پسرخاله با پشتوانه قوی تلویزیونی ساخته و به یکی از فیلم‌های پر فروش تاریخ سینمای ایران تبدیل شد.

تلویزیون، عامل اصلی موفقیت

فیلم سینمایی کلاه قرمزی و پسرخاله در اکران عمومی موفق شد مردم زیادی را به سینماها بکشاند. آمار آن سال‌ها نشان می‌دهد تعداد کسانی که این فیلم را بیش از یک بار در سینماها به تماشا نشستند، زیاد است. جالب اینجاست که بزرگ‌ترها از تماشای این فیلم همان قدر لذت می‌بردند که بچه‌ها از دیدن آن سرخوش می‌شدند. مردم به دیدن فیلم کلاه قرمزی و پسرخاله می‌رفتند، چون از شخصیت‌های آن سابقه ذهنی داشتند و پیش از فیلم، آنها را در تلویزیون دیده و با آنها ارتباط برقرار کرده بودند. البته سازندگان کلاه قرمزی هم این حمایت تلویزیون را نادیده نگرفتند و موضوع داستان خود را بر اساس تلویزیون پایه‌ریزی کردند. کلاه قرمزی که در یکی از شهرهای شمال کشور زندگی می‌کند، عاشق تلویزیون و برنامه کودک است.

او کودکی است که همه وقت خود را به بازیگوشی سپری می‌کند و اصلاً اهل درس و مدرسه نیست. او بعد از این که آقای مجری و برنامه او را در تلویزیون می‌بیند عاشق کار اجرا در تلویزیون می‌شود و تصمیم می‌گیرد به تهران برود و مجری تلویزیون شود. ورود او به تهران با تمام بازیگوشی‌هایش، ماجراهای دیدنی‌ای را شکل می‌دهد. او به تلویزیون می‌رود تا مجری شود اما این خواسته او ناممکن است، چون او بی‌سواد است و اصول کار را بلد نیست. باید درس بخواند و ...

فیلم کلاه قرمزی و پسرخاله در اصل نشانگر تمام خواسته‌های افرادی بود که می‌خواهند بدون هیچ زحمت و تلاشی به جایگاه‌های

بزرگ و مهم برسند که این خواسته ناشدنی است و ایرج طهماسب به زبانی ساده و شیرین این موضوعات را در فیلمی کم‌دی بازگو کرد. از دیگر نکات جالب فیلم کلاه قرمزی و پسرخاله این بود که حمید جبلی هم به جای هر دو عروسک صحبت می‌کرد و هم یکی از نقش‌های اصلی فیلم را بازی می‌کرد.

مهاجرت از تلویزیون به سینما

فیلم کلاه قرمزی و پسرخاله باعث شد تا طهماسب و جبلی به 2 شخصیت کار بلد و معروف سینمایی تبدیل شوند و از تلویزیون به سینما مهاجرت کنند. آنها بعد از موفقیت فیلم عروسکی - زنده یکی بود، یکی نبود را ساختند. این فیلم هرچند مورد استقبال مردم قرار گرفت، اما نتوانست موفقیت کلاه قرمزی را تکرار کند. حمید جبلی هم بی‌کار نشست و بعد از یکی بود، یکی نبود سراغ کارگردانی رفت و فیلم #171؛ پسر مریم& را کارگردانی کرد. اما این فیلم هم هرچند موضوعی تازه و انسانی داشت، نتوانست جبلی و طهماسب را راضی کند. به همین دلیل آنها دوباره به سراغ عروسک‌های محبوب رفتند و با اضافه کردن عروسک #171؛ سروناز&، فیلم سینمایی کلاه قرمزی و سروناز را ساختند. این فیلم موزیکال و عاطفی هر چند مردم زیادی را به سینماها کشاند، اما نتوانست رقیبی برای کلاه قرمزی و پسرخاله باشد. هرچند در این فیلم رضا عطاران هم حضور داشت. ایرج طهماسب و جبلی فعالیت‌های سینمایی خود را در حوزه سینمای کم‌دی با فیلم‌های دختر شیرینی فروش، زیر درخت هلو و رفیق بد ادامه دادند، اما این فیلم‌ها با همه توفیقی که به دست آوردند نتوانستند دل طهماسب و جبلی را از دوستان قدیمی‌شان خالی کنند. آنها سال 88 تصمیم گرفتند کلاه قرمزی و پسرخاله را دوباره به تلویزیون برگردانند.

طرفداران، روز به روز بیشتر می‌شوند

کلاه قرمزی، پسرخاله، آقای مجری و چند تایی عروسک دیگر نوروز 88 به شبکه 2 سیما آمدند و آنقدر بین مردم محبوبیت پیدا کردند که توانستند ردیف‌های اول جدول رضایتمندی و تعداد مخاطبان را به خود اختصاص دهند. کلاه قرمزی که نوروز 2 سال پیش پخش شد کاملاً ساختار کلاه قرمزی و آقای مجری را داشت که در دهه 70 روی آنتن رفت با این تفاوت که در سال 88 به خانه کلاه قرمزی و آقای مجری کلی هم مهمان رفت و آمد داشتند از ابراهیم حاتمی‌کیا بگیر تا علیرضا خمسه. البته باران کوثری هم یکی از مهمانان ثابت این برنامه بود. همه این مهمانان دعوت کلاه قرمزی را اجابت کرده بودند چون او را دوست داشتند و از مصاحبت با او لذت می‌بردند. شوخی‌ها و شیطنت‌های کلاه قرمزی و گاه پسرخاله با مهمانان چنان جذاب بود که هر بیننده‌ای را پای تلویزیون نگه می‌داشت. در این برنامه طهماسب با همراهی عروسک‌های محبوبش همه آداب عید دیدنی و میزبانی از مهمان و مهمانی رفتن را به بچه‌ها و حتی بزرگ‌ترها آموزش داد. این برنامه مثل دیگر مجموعه‌های کلاه قرمزی پر از لحظات کمیک بود. لحظاتی که بیننده را می‌خندانند و محبوبیت این عروسک‌ها را بیشتر می‌کرد.

نکته: فیلم کلاه قرمزی و پسرخاله در اصل نشانگر تمام خواسته‌های افرادی بود که می‌خواهند بدون هیچ زحمت و تلاشی به جایگاه‌های بزرگ و مهم برسند که این خواسته ناشدنی است و ایرج طهماسب به زبانی ساده و شیرین این موضوعات را در فیلمی کم‌دی بازگو کرد

کلاه قرمزی و پسرخاله بچه‌های بازیگوشی هستند، اما مرز ادب و بی‌ادبی را می‌شناسند به همین دلیل در دل همه مخاطبان جا باز می‌کنند. آقای مجری هم نماد یک آدم بزرگ است که ثابت می‌کند وقتی آدم بزرگ‌ها در کنار بچه‌ها قرار می‌گیرند باید آستانه تحمل خود را بالا ببرند و به اصطلاح زود جوش نیاروند. اگر قرار است بچه‌ها آداب‌دان باشند و در آینده به آدم بزرگ‌های موفق تبدیل شوند باید جرات آزمون و خطا داشته باشند و آدم بزرگ‌ها باید راهنماهای خوبی برای آنها باشند و شکل آدمی که فقط امر و نهی می‌کند را به خود نگیرند.

امسال هم کلاه قرمزی و دارودسته‌اش به شبکه 2 آمدند. با همان ویژگی‌هایی که از ابتدا داشتند. بچه‌هایی که روزی روزگاری عروسک کلاه قرمزی را در اتاق خود می‌گذاشتند حالا بزرگ شده‌اند، آدم بزرگ‌هایی هم که این عروسک‌ها را دوست داشتند حالا سن و سالشان بالاتر رفته‌اند، اما کلاه قرمزی، پسرخاله و آقای مجری هنوز همان آدم‌های دوست داشتنی سابق هستند با همان مرام و مسلک. آنها فقط با زمان رشد کرده‌اند و امروز دیگر بیگانه با تکنولوژی نیستند، هر چند کلاه قرمزی هنوز هم تجربه‌اندوزی را به کسب علم و دانش ترجیح می‌دهد.

اگر 2 سال پیش باران کوثری چند روز همراه کلاه قرمزی شد و به تلویزیون آمد، امسال نگار جواهریان همراه او شده است. بازیگری که اوج شهرت خود را سپری می‌کند و تاکنون خیلی کم در تلویزیون دیده شده است، اما او هم نتوانست به کلاه قرمزی و آقای مجری، نه بگوید... صابر ابر، بازیگر سینما هم از دیگر مهمانان کلاه قرمزی بودند. جالب اینجاست که این بازیگران که برای خود در سینما کیا و

بیایي دارند در مواجهه با کلاه قرمزي و رفقايش كاملا خلع سلاح مي‌شوند و بازي خود را با خواسته‌ها و ريتم اين عروسك‌ها همسان مي‌کنند. اين نشان‌دهنده اين است که کلاه قرمزي و پسرخاله در 2 دهه گذشته جاي پاي خود را بين هنرمندان و مردم محکم کرده‌اند. 2 دهه حضور در سينما و تلويزيون عروسك‌هاي کلاه قرمزي و پسرخاله را به ماندگارترين عروسك‌هاي تلويزيوني تبديل کرده است. ريشه اين ماندگاري را مي‌توان در هوشمندی سازندگان برنامه کلاه قرمزي دانست. آنها كاملا به مسائل برنامه‌سازي تلويزيوني و سينمايي اشراف دارند. از طرفي آنقدر به مسائل روز دنيا و دغدغه‌هاي کودکان آشنا هستند که مي‌توانند به روزترين مسائل را در برنامه‌هاي خود منعکس کنند و از همه مهم‌تر اين‌که ايرج طهماسب و حميد جبلي با زبان بچه‌ها آشنايي دارند و مي‌دانند که چگونه بايد مسائل مربوط به بچه‌ها را مطرح کنند که هم بزرگ‌ترها و هم کودکان از دیدن آنها لذت ببرند. جبلي براي هر عروسكي که به برنامه وارد مي‌شود زباني خاص را ابداع مي‌کند. محمدرضا هدايتي هم که سال 88 به عنوان مهمان در اين برنامه حضور داشت آنقدر استعداد دارد که به جاي عروسك پسرعمه‌زا صحبت کند و در کنار جبلي که سال‌ها تجربه حضور در برنامه کلاه قرمزي را دارد کم نياورد. سال قبل خبر آمد که قرار است حضور کلاه قرمزي و رفقايش در سال جاري در تلويزيون تداوم داشته باشد. اين خبر را به فال نيك مي‌گيريم. اگر طهماسب و جبلي و عروسك‌هايشان بار ديگر در تلويزيون ماندگار شوند، ثابت خواهد شد که تلويزيون و بخصوص شبکه 2 سيما براي کودکان و نوجوانان برنامه‌هاي دراز مدت دارند. البته امسال مرضيه برومند هم با سريال &#171;آب پريا&#171; به شبکه 2 مي‌آيد تا كاملا اثبات شود که تلويزيون بچه‌ها را جدي گرفته است.

طاهره آشياني / گروه راديو و تلويزيون